

آرامی شاهنشاهی

هنگامی که کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ ق. م. امپراطوری بابل را از پای درآورد، زبان آرامی نیز مانند دوره آشور و بابل همچنان در امپراطوری ایران رواج یافت.

این شاهنشاهی در زمان داریوش بزرگ هخامنشی (۵۲۱ - ۴۸۵ ق. م.) از نیل تا سند وسعت داشت و به ایالات گوناگونی تقسیم میشد، که آنها داشهر ب نشین یا ساتراپی می گفتند. پایتخت این شاهنشاهی و مرکز تشکیلات اداری آن شهر شوش در خوزستان بود.

داریوش برای برقراری ارتباط بین مردم امپراطوری عظیم خود ب فکر آن افتاد که زبان واسطی را اختیار کند تا آن زبان لسان دولتی و همگانی این امپراطوری پهناور باشد. وی خط و زبان آرامی را که پیش از او در بین النهرین و شامات رواج داشت به عنوان يك زبان واسط در شاهنشاهی ایران پذیرفت. ولی بجای اینکه او و درباریانش بزبان آرامی آشنا باشند و یا زحمت فرا گرفتن آنرا بخود بدهند داریوش کار عجیبی کرد که در جهان کمتر نظیر آن روی داده است.

وی عده‌ای از دبیران و کاتبان آرامی را استخدام کرد. این گروه علاوه بر زبان مادری خود آرامی، زبان پارسی را نیز بخوبی میدانستند. سپس داریوش این گروه کاتبان را بنا به احتیاجات محل هر چند تن به یکی از ولایات و ایالات ایران گسیل داشت، و فرمان داد که آنان دبیران و مقرر جماع دولت در سراسر کشور شاهنشاهی هخامنشی باشند.

وی هر گاه می‌خواست نامه یا بخشنامه‌ای را به ولایات یا ایالات ابلاغ کند، یکی از دبیران آرامی نژاد خود را می‌طلبید و نامه‌ای را که بنا بود بنویسد به پارسی برای او تقریر می‌کرد. دبیر آرامی حضوراً آن نامه یا بخشنامه را بخط و زبان آرامی می‌نوشت. سپس به فرمان داریوش آن نامه یا بخشنامه به استانداران ابلاغ میشد. چون نامه یا بخشنامه‌ای به استاندار میرسید

او بر فور دبیر آرامی خود را می‌خواست، و آن دبیر چون محرم اسرار دولت نیز بود حضوراً آن نامه را که به خط و زبان آرامی نوشته شده بود خوانده، به پارسی ترجمه می‌کرد، و استاندار به مفاد آن فرمان رفتار می‌نمود. همچنین داریوش دستور داد علاوه بر نامه‌های شاهی، مفاد سنگنبشته بیستون را که کارنامه پادشاهی او بود از جهت اهمیتی که داشت بزبان آرامی ترجمه کرده برای اطلاع مردم و رعایای ایران به ایالات کشور بفرستند.

خوشبختانه ترجمه قسمتی از این سنگنبشته به خط و زبان آرامی در نیم قرن پیش در مصر پیدا شد. به غیر از ترجمه این سنگنبشته، نامه‌ها و فرمانهای زیادی از داریوش و شاهنشاهان هخامنشی بر روی پاپيروس موجود است. این نامه‌ها و فرمانها که همه به زبان آرامی است در مصر و غالباً از جزیره فیله یا الفانتین (Elephantin) نزدیک آسوان (Asouan) بدست آمده است. این جزیره در نیل جنوبی وجود داشت و مصریان آنرا دانس‌الوجوده می‌خواندند. و اکنون بر اثر بالا آمدن آب سدالمالی که مصریان آنرا در نزدیکی شهر آسوان بر روی نیل بسته‌اند به زیر آب رفته است.

جزیره الفانتین یا فیله در زمان پادشاهی هخامنشیان کلنی یا مهاجرنشین عدای از یهودیان فلسطین بود. یهودیان آن جزیره بر اثر مهتری که به ایران و ایرانیان داشتند تمام فرامینی را که شاهنشاهان هخامنشی به استانداران مصر نوشته بودند گردآوری کرده مانند بایگانی مورد اعتماد و دلسوز در پیش خود نگاهداشتند.

در نیم قرن پیش این اسناد و مکتوبات بر حسب اتفاق از آن جزیره کشف شد، و در مجموعه‌ای بنام پاپيروسهای آرامی منتشر گشت.^۱ این نوع زبان آرامی را که در امپراطوری پهناور هخامنشی رایج بود و آرامی شاهنشاهی خوانده‌اند، این اصطلاح نخستین بار توسط خاورشناس معروف مارکوآرت (Marquart) به زبان آلمانی Reichsaramäisch و به زبان فرانسه Araméen de l' Empire خوانده شد. و از آن پس این نامگذاری را دیگر خاورشناسان پذیرفتند.

چنانکه در کتاب دانیال بنی آمده در شاهنشاهی بزرگ ایران زبان آرامی

1. A. Cowley, Aramaic papyri of the Fifth Century B. C.

Oxford, 1923.

بین اقوام و ایالات گوناگون را پیوند می‌داد. همینطور که امروز زبان انگلیسی رابط بین ملل مشترك المنافع بریتانیا است .

کلرمون گاننو (Clermont - Ganneau) نخستین دانشمندی بود که به نقش زبان آرامی در شاهنشاهی هخامنشی پی برد . وی از مطالعه بر روی يك پاپيروس آرامی که در تورن (Turin) یافت شده و جز دو سطر از اولین سطور آن بجای نمانده و بعنوان يك ایرانی بنام «میترا و هیشت» Mitra wahišt (مهر بهشت) که بایستی کارمندی اداری باشد، و از طرف شخصی مصری بنام «پاکسیم» Pakhim نوشته شده است^۱ ، حدس زد که در روزگار هخامنشی زبان آرامی بایستی زبان بین المللی رعایای شاهنشاهی ایران بوده باشد. وی می‌نویسد که همه مهربداران شاهنشاهی هخامنشی و بخصوص شهرهای ایالات غربی، در مصر و کیلیکیه لیکنه آن زبان را به کار می‌بردند، و دبیران ادارات ایرانی همگی آرامی نژاد بودند.

خط سکه‌هایی که از طرف شهرها به نام شاهنشاه زده میشد آرامی بود و کتابت آرامی در نگارش اسناد دولتی بکار میرفت. از زمان کلرمون گاننو مدارك بسیاری که گواہ بر صحت گفتار اوست در جایهای مختلفی از ایران و بین‌النهرین و مصر و سوریه و آسیای صغیر بدست آمده است.

بین این مدارك باید الواح بابلی را که راجع به حسابداری است، و یادداشت‌هایی بخط آرامی دارد نام برد . این الواح در «اوروک» Uruk ، و «نیپبور» Nippur پیدا شده، و نیز يك استراکای آرامی است که از «لارسا» Larsa ، بدست آمده و همه آنها مربوط به عصر تسلط ایرانیان در روزگار هخامنشی است .

در آسیای صغیر سکه‌هایی بخط آرامی یافت شده که توسط شهرهای آن حدود ضرب گردیده است. دیگر کتیبه‌ایست به زبان آرامی در عصر تسلط ایرانیان که در «سارایدین» Saraıdin ، در «گوزنه» Gözneh ، و «کزک کوجو» Kesegek - közü ، و «همیت» Hemite در کیلیکیه یافت شده است . دیگر دو کتیبه لیدیایی و آرامی است که در «سارد» Sardes ، و «فالاکا» Falaka ، در لیدیه یافت شده، و بالاخره يك سنگ وزن با خط آرامی در «آبیدوس» Abidos،

1. Corpus Inscriptionum Semiticarum, I I , 144.

در «مسیحیه Mysic» بدست آمده است.

اما در ایران يك كتيبه آرامی در «سند قلعه» در آذربایجان ، و نیز قریب بانصد «فراگما Fragma» (قطعه) به خط آرامی در تخت جمشید بدست آمده است .

وجود این آثار دلالت آن دارد که در عصر هخامنشی خط و زبان آرامی از مصر تا ایران رواج داشته است.

در شهری از گرجستان بنام Mchetca دو کتیبه آرامی پیدا شده است: یکی کتیبه دوزبانی یونانی - آرامی ، و یکی دیگر فقط به آرامی . خط این کتیبه اخیر با خط آرامی کتیبه دوزبانی متسخته یکی است. ولی قدری قدیمی تر به نظر میرسد، با وجود اسامی خاص ایرانی متن این کتیبه کاملاً آرامی است. و این امر ثابت می کند که در دوره اشکانی هنوز هیچ نوع جزوارش وجود نداشته و متون آرامی چنانکه نوشته شده به همان زبان خوانده میشده است . اما در مشرق فلات ایران در دپل داوونته «Puli Darunteh» در افغانستان و در ناحیه دتاکسیلا «Taxila» درهند کتیبه هایی به خط آرامی به دست آمده است .

این آثار مربوط به زمان «آشوکا Ashoka» در سه قرن پیش از میلاد مسیح است .

از زمان هخامنشیان زبان و خط آرامی توسط شهرت های ایرانی به هند نفوذ کرد و بعدها همین خط اساس کتابت «خروشتی Kharoshti» در هند شد.^۱

آلتهایم و اشتایل دونویسنده کتاب معروف «زبان آرامی در دوره هخامنشی» در مبحث هشتم فرهنگ لغات آرامی اسناد مزبور را که مربوط به دوره پارتی است گردآوری کرده و مراجع آنها را نشان داده اند. این مجموع لغات آرامی اسناد پارتی به ترتیب حروف ابجد تنظیم شده است.^۲

1- Dupont Sommer , Les Arameens, Paris 1948' P. 90-91

2- F. Altheim-R. Stiel , Die aramäische sprache unter den Achaimeniden, Frankfurt am Main 1963 . p. 253 - 334.

اما در عربستان شمالی نیز به آثاری از زبان آرامی شاهنشاهی بر میخوریم و در آنجا در عصر تسلط ایرانیان چندین کتیبه به خط آرامی پیدا شده است :

چهار کتیبه در «تیمما» Teima، که یکی از آنها خیلی مهم است و درموزه لوور پاریس نگاهداری میشود. سه دیگر در «هجر» Hegra یافت شده است. به این کتیبه‌ها باید چند استراکا را نیز که در ایلات Elath و شمال خلیج عقبه و بحر احمر پیدا شده افزود. روابط سیاسی و تجاری ایرانیان و رعایای ایشان از این شهرهای بیابانی تا «کوانه» Koine، به خط و زبان آرامی برقرار بوده است.

در فلسطین در عصر ایرانیان زبان آرامی «واج» داشت. از «سامریه» Samarie، چندین فراگما، و کوزه‌های سفالین پیدا شده که بر آنها کتیبه‌ها و خطوط آرامی نوشته شده است.

در جنوب فلسطین نیز نفوذ و گسترش زبان آرامی بسیار بود. در «یریحو» Jericho، چند مهر آرامی بر روی کوزه‌های قدیمی، و در «بیت‌الشمس» - Beth-shemesh، يك مهر از همان جنس، و در «تل‌فراه» Tell Fara، يك استراکای آرامی، و در «لاکیش» Lakish، نیز يك استراکا، و بر روی يك مذبح کتیبه‌ای به زبان آرامی پیدا شده است.

همچنین در اورشلیم يك فصل از یادداشتهای «نخمیا» Nehmi، که اصل عبری آن در کتاب عهد عتیق مسطور است یافت شده، و آنرا باید مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد مسیح دانست.

در این عصر زبان شهر «آسدود» Asdod، که از بلاد قدیم فلسطین بوده آرامی عامه بوده است. دو سند آرامی نیز در «لاکیش» که در جهل کیلومتری اورشلیم واقع بوده پیدا شده که مربوط به همان عصر است.

در مصر اسناد بسیاری بخط و زبان آرامی از عصر تسلط ایرانیان بدست آمده و چنانکه گفتیم مهمترین این مدارک مجموعه «پاپیروسها» و استراکاهای آرامی است که عمده آنها در جزیره الفاتین در نزدیکی آسوان بدست آمده است. قدمت بعضی از این آثار به شش قرن قبل از میلاد مسیح میرسد. قسمتی از این آثار مربوط به یهودیان در عصر ایرانیان و بطالسه است که بیشتر مشتمل بر عقد ازدواج، ارث، و طلاق می‌باشد.

همچنین باید یادآور شد که گورسنگها و ستونهایی بر روی قبرهای مردگان به اسلوب مصری یافت شده که دارای کتیبه‌های آرامی است، و نیز مجسمه‌ها و مهرها و کوزه‌هایی بدست آمده که همه آنها دارای خطوط آرامی می‌باشند. وجود این اسناد دلالت بر آن دارد که زبان آرامی شاهنشاهی در آن عصر خط و زبان بین‌المللی بوده است.

جایهایی که این اسناد در مصر به دست آمده همه در طول دره نیل است و شامل ممفیس Memphis، و حوالی آن، و تونا Touna، و واخیم Akhmim، و ابیدس Abydos، و اوادی - و خمامات Ouardi - Khammat، و تب Thebes، و ادفو Edfou، و آسوان، و القاتین، و بالاخره توماس Tomas، در ناحیه «نوبی Neubie» می‌شود.

مقدار زیادی از این پاپیروسها در سال ۱۹۵۳ م توسط دکتر اکلینگ Kracling، جمع آوری و منتشر شد.

قطعاتی نیز از پوست مربوط به عصر سلطنت داریوش دوم هخامنشی پیدا شده که بر آن نوشته‌هایی به خط آرامی وجود دارد، و این آثار توسط خانم «درایور Driver» در ۱۹۵۸ منتشر شده است.

بر اثر این اکتشافات در محلهای مختلف می‌توان یقین کرد که زبان آرامی در سراسر امپراطوری هخامنشی زبانی دولتی و رسمی بوده و آنرا محققان «آرامی شاهنشاهی» خوانده‌اند. این آرامی همان آرامی همگانی عهد پیش بود که توسط هخامنشیان به جای زبان بین‌المللی در شاهنشاهی ایران به کار رفت. در این زبان لغات دخیله بسیاری از اصطلاحات و الفاظ ایرانی وجود داشته است.

پس از حمله اسکندر آرامی شاهنشاهی دیگر نمی‌توانست به حیات گسترده خود ادامه دهد، زیرا پس از سقوط دولت هخامنشی زبان و آداب یونانی که از آن تعبیر به هلنیسم می‌شود جای آرامی شاهنشاهی را گرفت. از آن پس به تدریج زبان آرامی مانند هزارش و ایدئوگرامهای (Ideogrammes) در زبان پارسی میانه به کار رفت.^۱

1 - Dupont Sommer, p. 92 - 96. Moscati: Histoire et Civilisation des Peuples Sémitiques, Paris 1955, p. 169.